

نقش مرابطه ی فقهی در تشکیل حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

سید محمد رضا معتمدی¹ مولود گرمودی ثابت² حسین احمدی³

¹ دانشجوی مقطع دکتری تخصصی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

² استادیار گروه آموزش فقه و حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

³ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: ostadsabet@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1403/03/08 تاریخ پذیرش: 1403/07/27

چکیده

از جمله مؤلفه های فقه سیاسی و حکومتی که افق های جدیدی را در حفظ و تداوم حکومت اسلامی توأم با ولایتمداری و ایجاد امنیت اجتماعی مهیا می سازد، مرابطه است. لذا این واژه، یکی از عناوین فقه جنگ نرم است که جهت حفظ مرزهای مسلمانان در دفاع از دارالاسلام در مقابل حملات دارالشُرک اطلاق می شود.

کاربرد لغت مرابطه، علاوه بر فقه که مورد نظر است؛ در علم اخلاق و عرفان به جهت سیر سالکان به سوی خدا مطرح می گردد.

امام خمینی (ره) از آغاز مبارزات خود، با هدف تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد رابطه ناگسستنی بین دین و سیاست، هر جایی که احتمال نفوذ دشمنان در مرزهای داخلی (اعم از خاکی، آبی و هوایی) و نیز برون مرزی و یا مرزهای دینی و عقیدتی، در مقابله با بدعت ها و دفاع از کیان اسلام وجود داشت، در جهت حفظ مملکت، با قاطعیت از جان و مال و ناموس مسلمین دفاع می کردند، زیرا یکی از شؤون حکومت اسلامی، دفاع در سایه جهاد است؛ و یکی از مقدمات جهاد، حفظ مرزها توسط مرابطین می باشد.

مقاله حاضر، مبتنی بر روش توصیفی و کتابخانه ای بر مبنای اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به نقش و جایگاه مرابطه فقهی (نه اخلاقی و نه عرفانی)، به جهت حفظ مرزهای مسلمین؛ در برقراری حکومت اسلامی پرداخته است.

کلیدواژه: مرابطه، حکومت اسلامی، امام خمینی (ره)، مرزبانی، فقهی.

مقدمه

از جمله دغدغه های مهم از صدر اسلام تاکنون، مسأله تشکیل حکومت اسلامی است که این هدف از هجرت پیامبر (ص) به مدینه تحقق یافت و مردم خود را مکلف به انجام یکسری از آداب نمودند و با اتحاد و همبستگی طعم شیرین حکومت اسلامی را چشیدند تا آنکه دشمنان و افراد نفوذی از همان ابتدا با نقشه های شوم خود به بلاد اسلامی حمله کردند و به تدریج پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، سعی در کمرنگ کردن دین و آموزه های دینی نمودند و برای نابودی حکومت اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نورزیدند.

امام خمینی (ره) بر این اعتقاد بود که؛ می باید رابطه ی دین و سیاست را در حکومت اسلامی محقق ساخت و ایشان دفاع از طریق مرزها را (مرابطه)، از ضرورت های شکل گیری حکومت اسلامی می دانست و حکومت اسلامی را به عنوان «یک آرمان» مطرح نموده و آن را حکومتی مطلوب در دوران غیبت دانست. همچنان که ایشان معتقد بودند: سنت و رویه ی پیامبر اکرم (ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی می باشد و حفظ دارالاسلام در مقابل دارالکفر، و یا حفظ دارالقرای اسلامی، هدف اصلی در بعد سیاست خارجی است. (فوزی، 1393: (ص 210)).

یکی از شؤون حکومت اسلامی، جهاد است و یکی از مقدمات جهاد، حفظ مرزها است. مرابطه، جهاد نیست، بلکه نوعی آمادگی برای حفظ مرزها و هشدار نسبت به نفوذ دشمنان است.

در حدیثی پیامبر (ص) فرموده است: یک شبانه روز مرزبانی و پاسداری از مرزها در راه خدا مساوی است با یک ماه روزه و نمازی که افطار نکند و از نمازش جدا نیفتد مگر برای ضرورتی. (نوری، 1320ق: (ج 2، ص 246)).

مرزهای جغرافیایی امروز که بر اساس آن ها گذرنامه و رواید صادر می شوند، مرزهای ملی و سرزمینی می باشند و ارتباطی به مرزهای اسلام و کفر ندارد.

مرابطه به عنوان مقدمه جهاد دفاعی، به هدف حفظ جان، مال و ناموس مسلمانان؛ از جمله مراحل حفظ حکومت و نظام اسلامی، محسوب می شود. بطوری که هرگاه سرزمین مسلمین مورد تهاجم دشمنان قرار گیرد؛ بدون اذن امام و نایبش می توان برای حفظ مرزهای اسلام اقدام نمود.

پیشینه ی پژوهش

در خصوص بحث مرزبانی، کتاب‌ها و مقالات متعددی از سوی مرزبانی فراجا به رشته تحریر در آمده است. در مورد مسأله ی فقهی مرابطه هم لابلائی کتابهای فقهی، احکام و استفتائات مطالبی را به نحو اجمال می توان پیدا نمود. کتابهایی نظیر فقه سیاسی آقای عمید زنجانی هم در این راستا اطلاعات مفیدی را به جویندگان این شاخه از علم فقه ارائه می نماید. نظرات فقهی امام خمینی (ره) در خصوص جهاد و دفاع مقدس و سخنرانی هایی که برای رزمندگان اسلام در صحیفه ی نور و صحیفه ی امام (ره) به جا گذاشته اند، پراکنده بوده است. و آنچه را که ما از بحث مرابطه ی فقهی از منظر امام خمینی (ره) به دنبال آن بوده ایم، تحقیقی جامع و مدون می باشد، که تاکنون در این خصوص پژوهشی بصورت مستقل صورت نگرفته است.

مفهوم شناسی

واژگان «مرباطه» و «حکومت اسلامی» از مفاهیم پژوهش حاضر هستند که تعریف آنها برای تبیین موضوع، ضروری است.

الف) مفهوم مرابطه

مرباطه از ریشه «ربط» در لغت به معنای بستن و محکم کردن است.

رباط الخیل: بستن و استوار نمودن اسبان، و مقصود آماده بودن نظامیان و مجاهدان اسلامی است. با تمام تجهیزات لازم، برای پاسداری و نگهداری از مرزهای کشور اسلام، از هجوم و یورش بیگانگان، و دشمنان اسلام تا دشمنان جرأت هجوم پیدا نکنند. (فیض، 1383: (ص 331)).

به کاروانسرا "رباط" می گویند و "ربط قلب" به معنی آرامش دل و سکون خاطر است.

در بعضی از روایات به علماء و دانشمندان نیز "مرباط" گفته شده است. (مکارم شیرازی، 1380، (ج 3، ص 234)).

«رباط» به کسر راء: 1- آنچه ستور، یا مشک، و جز آن را، با آن ببندند (منتهی الارب) 2- پنج عدد و زیادت از اسبان بسته را گویند. (صفی پور، 1394).

مرباط:

کسی که در حدود و مرزهای بلاد اسلامی اقامت گزیند تا حمله و هجوم کفار را به مسلمانان اطلاع دهد (حسینی طهرانی، 1421).

مرباطه:

اقامت در حدود و مرزهای بلاد اسلامی جهت آمادگی به دفع حمله ی احتمالی دشمن است. (قلعجی، 1408: (ج 1، ص 219)) و از پیغمبر اکرم روایت است که درباره بهترین اعمال از حضرت سؤال کردند فرمود: کامل و خوب وضو گرفتن در بامدادان در هوای سرد و به نماز جماعت رفتن و انتظار نماز بعد از نماز و این رباط است. (بیس‌تونی، 1390: (ج 4، ص 400)).

واژه «ربط» وقتی به باب مفاعله می آید، به مفهوم مواظبت کردن از طریق بستن و منع کردن می باشد. (رافعی القزوینی، بی تا: (ج 2، ص 215))

«ورابطوا علی الائمه»: از پیشوایان خود دفاع کنید (قرائتی، 1374: (ج 1، ص 686)).

معادل واژه ی «مرباطه» در کتاب نهج البلاغه واژه ی «المسالیح» است، کلمه «المسالیح» جمع کلمه ی «المسلحة» به معنای حفاظت مرزها از دشمن می باشد (زرگریان و سایرین، 1400).

در اصطلاح فقهی، به شخصی که در مرزها حاضر شده و از تمامیت کشور اسلامی محافظت می کند؛ «مرباط» گفته می شود (فراهیدی، 1410ق: (ج 7، ص 422)).

مفهوم مرابطه در دارالاسلام:

واژه و لغت «مرباطه» در بین مسلمانان با این مفاهیم به شرح ذیل آمده است:

1- جایی که اکثریت افراد آنجا مسلمان باشند. بنابراین همه کشورهای اسلامی، مرزهایی که در مرزها به سرزمین کفر وصل می شوند، آن مرزها دارالاسلام و دارالشرك است و مرابطه فقط به آنجا صحیح است.

2- دارالاسلام جایی است که سوق مسلمین وجود داشته باشد که ممکن است در قلب سرزمین کفر، سوق مسلمین باشد.

3- دارالاسلام جایی است که شعائر اسلامی با قدرت اقامه می شود. مثلاً اذان گفته می شود. مسجد وجود دارد، زیارتگاه ائمه هم دیده می شود (الزحیلی، 1412ق: (ص 169)).

4- قول شهید اول: سرزمین اسلام جایی است که حاکمیت اسلامی نفوذ داشته باشد و حکم اسلام اجرا می‌شود و حاکم اسلامی مشروع وجود دارد (الشهید الاول، 1412ق: (ص 78).

از این اقوال فوق می‌توان نتیجه گرفت که؛ عنوان دارالاسلام بر سه قول اول صدق نمی‌کند، زیرا اصل دارالاسلام مربوط به حکومت پیامبر (ص) در مدینه بود. که هر چه گسترش یافت، دارالاسلام هم توسعه یافت. مرزهای ملی، بعدها از سوی استعمار شکل گرفت؛ لذا دارالاسلام بر محوریت اسلام و دولت و حکومت اسلامی گفته می‌شود.

شهید ثانی مرابطه را به این صورت تعریف کرده است: «والرباط و هو الارصاد فی اطراف بلاد الاسلام للاعلام باحوال المشركين علی تقدیر هجوم هم مستحب استحباباً موكداً دائماً مع حضور الامام و غيبته» رباطه عبارت است از سنگربندی و کمین‌گیری در اطراف کشور اسلام، به منظور آگاهی و کسب اطلاع از وضعیت و احوال مشرکین که احتمال هجومشان می‌رود (شهید ثانی، بی تا: (ص 385).

علامه‌ی حلی «مرابطه» را به این صورت تعریف کرده است: «والمرباطه ارساد لحفظ الثغر» مرابطه سنگربندی و کمین‌گیری مسلمین برای پاسداری از مرزهاست (حلی، 1419ق: (ص 451). این تعریف مرابطه و رباطه است و کسی که وظیفه‌ی رباطه را بر عهده دارد و در مرزها پاسداری دهد «مرابطه» نامیده می‌شود که جمع آن نیز مرابطین است. (شفیعی نژاد، 1394، صص 36 و 37).

امام خمینی (ره) در باب وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی می‌فرماید: «دفاع از سرزمین‌های اسلامی بر همه مسلمانان به هر وسیله‌ای واجب است» (امام خمینی (ره)، 1379ش: (ج 1، ص 462).

ب) مفهوم حکومت اسلامی

حکومت اسلامی، یعنی حکومتی که در جهت اجرای احکام اسلامی به معنای واقعی، پذیرش ولایت الهی، نفی حاکمیت طاغوت و نیز ضرورت حفظ استقلال جامعه اسلامی برای تحقق آرمان‌های مهدوی در تلاش و تکاپو است.

یکی از ارکان مهم و مؤثر در تشکیل حکومت اسلامی، حفظ بیضه و کیان اسلامی از نفوذ بیگانگان در امور سیاسی یا اقتصادی مملکت اسلامی می‌باشد. آن چنان که امام خمینی (ره)، دفاع از کیان اسلامی را در ماه‌های حرام نه تنها واجب می‌دانستند. (موسوی الخميني (ره)، 1392: (سؤال 6091-18)، بلکه مشروط به اجازه امام یا مرجع تقلید هم قرار ندادند (همان، سؤال 28956113-6096).

مبانی فقهی بر ضرورت حفظ مرزها (مرابطه) در تشکیل حکومت اسلامی با توجه به ارزش حفظ دولت‌ها و کشورهای اسلامی در جهت تشکیل و پایداری حکومت اسلامی، نیاز به «مرابطه» امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا ادله اربعه از باب مستندات قطعی، گواه بر این مطلب می‌باشند:

1- آیات:

الف) - خداوند متعال در سوره انفال آیه 60 می‌فرماید: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا اللَّهَ وَعَدُوَكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...».

ترجمه: «و آماده کنید برای کارزار با ایشان هر چه را می‌توانید از نیرو و اسبان بسته شده که بترسانید با آن دشمن خدا و دشمن خود را و دیگران را از غیر ایشان که شما آنان را نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، و آنچه که در راه خدا خرج کنید به شما پرداخت می‌شود و به شما ظلم نخواهد شد». این آیه دستور آماده باش همه جانبه‌ی مسلمانان در برابر دشمنان و تهیه هر نوع سلاح، امکانات، وسایل و شیوه‌های تبلیغی حتی شعار و سرود را می‌دهد که رعایت این دستورات، سبب هراس کفار از نیروی رزمی مسلمانان می‌شود.

در اسلام، مسابقات تیراندازی و اسب سواری و برد و باخت در آنها جایز شمرده شده است. تا آمادگی رزمی ایجاد شود (قرائتی، 1374: (ج 3، ص 344). زیرا هدف از آمادگی نظامی، هرگز غارت و به استثمار کشیدن سرزمین‌ها و ملت‌ها نیست. بلکه ملاک در اینجا حفظ مکتب و حکومت اسلامی و وطن مسلمانان است. لذا طبق آیه فوق، دولت باید حداکثر توان خود را برای تأمین بودجه دفاع از نظام اسلامی و ترساندن دشمنان خدا اختصاص دهد.

ایجاد رعب در دل دشمن با هر وسیله‌ای حتی با ظاهر سازی لازم است. «مِنْ قُوَّةٍ» در حدیث آمده است: با خضاب کردن موی صورت، دشمن را بترسانید، تا نگویند ارتش اسلام پیر است (قرائتی، 1374: (ج 3، ص 345).

اسلام، باید نظام و حکومت داشته باشد (حکومت اسلامی)، چون بدون آن، دشمنان هراسی ندارند.

«تُرْهَبُونَ بِهِ»:

بر اساس آیه فوق؛ بنبیه دفاعی مسلمانان باید در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، عقیدتی و ... چنان قوی باشد که دشمن از هر جهت بترسد و توطئه‌هایش خنثی شود (همان، ص: 346). با این اندیشه می‌توان گفت که: «آمادگی نیرو و تجهیزات هر دو لازم است «مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» و ارزشهای الهی و حقوق انسانی هم باید حفظ شوند. «عَدُوا اللَّهَ وَعَدُوَكُمْ».

مراد از کلمه (رِبَاطِ الْخَيْلِ) اسبهای تربیت شده و کنایه از تجهیزات جنگی بر حسب اقتضاء هر زمان است و قیام بآن از شئون حکومت اسلامی است که دارای شرایط و امکانات می باشد و از وظیفه ی افراد خارج است (حسینی همدانی، 1380: (ج 7، ص: 385).

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ:

آیه به جامعه ی اسلامی خطاب نموده از جمله وظایف آن است که مسلمانان پیوسته آماده ی دفاع از بیگانگان بوده و از حقوق خود دفاع نمایند و از خطر تجاوز آنان لحظه ای غفلت روا نیست و اجتماعات بشری که از اقوام و طوائف مختلف تشکیل می شود، به لحاظ عقیده و از نظر مصالح مادی با یکدیگر توافق نخواهند داشت، بلکه اقوام دیگر از جمله بیگانگان با مسلمانان معارضه خواهند نمود و همانطور که نیروی دفع ضرر و عامل غضب نسبت به دشمن در هر فردی به ودیعت نهاده شده است که در برابر دشمن دفاع نمایند، هم چنین جامعه مسلمانان پیوسته باید آماده ی دفاع از بیگانگان باشند و در موقع لزوم بکار بندند تا افراد و اجتماع مسلمانان از خطر تجاوز بیگانگان ایمن گردند (همان، ج 7، ص 384). بیگانگان چنانچه ضعف و پراکندگی مسلمانان را مشاهده نمایند، بنای تعدی و تجاوز گذارند و مسلمانان را دعوت بکفر نمایند و بر حقوق و اعراض و اموال آنان تجاوز نمایند پس مسلمانان باید پیوسته مجهز باشند و وسائل دفاع از دشمنان را آماده نمایند.

ب) - خداوند در آیه 200 سوره آل عمران می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِعُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». «ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید».

(وَ رَابِعُوا) مرابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شداید و مرابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شداید، بلکه همه ی نیروها و کارها، در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خاموشی. و چون مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد، و اگر مرابطه نباشد گو اینکه صبر من و تو، به تنهایی و علم من و تو به تنهایی، و هر فضیلت دیگر افراد، به تنهایی سعادت آور است، ولی بعضی از سعادت را تأمین می کند و بعضی از سعادت، سعادت حقیقی نیست (طباطبایی، 1374: (صص 144-143).

و از امام باقر (ع) روایت شده که اصبروا یعنی بر مصائب شکیبا باشید و صابروا یعنی در برابر دشمن یا فشاری کنید و رابطوا یعنی به جلوی دشمن لشکر کشی کنید (بیستونی، 1390: (ج 4، ص 400).

سلمان رضوان الله علیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده: هر که مرابطه نماید یک شبانه روز در راه خدا، مانند کسی باشد که تمام ماه رمضان روزه و شبها به عبادت مشغول بوده و از نماز جدا نشود، مگر برای حاجت؛ و هر که را در راه خدا مرگ رسد، حق تعالی اجر او را می افزاید تا به مرتبه ای که میان اهل بهشت و جهنم حکم نماید (حسینی شاه عبدالعظیمی، 1363: (ج 2، ص 338).

در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحث علمی و حفظ مرز دلها، از هجوم و سوسه ها بکوشید (قرائتی، 1374: (ج 1، ص 686).

2- روایات

اسلام هر نوع ایجاد ناامنی را ناروا می داند. امنیتی را که اسلام به آن بها داده است، امنیت همه جانبه است، لذا حفظ مرزها از سوی مرزبانان، در سایه سار وجود حکومت اسلامی دارای اهمیت بسیاری است. حال به پاره ای از روایات در این مسأله اشاره می شود:

1- امام علی (ع) در عهدنامه ی مالک اشتر در نامه ی 35 درباره ی نقش نیروهای نظامی در استقرار امنیت فرمود: «اما سپاهیان و نیروهای مسلح با اذن پروردگار حافظان و پناهگاه رعیت، زینت زمامداران، عزت و شوکت دین و راه های امنیت می باشند. قوام رعیت جز توسط این گروه ممکن نیست». (دشتی، 1389: (صص 402-403)

2- در حمله ی معاویه به شهر انبار امام علی (ع) در خطبه ی 27 نهج البلاغه می فرمایند: «به من خبر رسیده است که یکی از آنان به خانه ی زن مسلمان و زن غیرمسلمانی که در پناه اسلام جان و مالش محفوظ است، وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبنند و گوشواره های آنان را از تنشان بیرون آورده و ربوده است. در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشتند. آنان با غنیمت فراوان برگشتند، بدون اینکه حتی یک تن از آنان زخمی گردد، و یا قطره ی خونی از آنان ریخته شود. اگر به خاطر این حادثه، مسلمانی از روی تأسف و غصه بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار و بجا است». (دشتی، 1389: (صص 50 و 51).

3- امام سجاد (ع) دغدغه ی خود را جهت حفظ ثغور مسلمین، در دعای بیست و هفتم صحیفه ی سجاده برای «اهل الثغور» بیان می فرماید: «بار خدایا! مرزهای مسلمانان را به پیروزمندی خویش استوار گردان و مرزبانان را به نیروی خود یاری ده و از خزانه ی فضل خویش به فراوانی آنها را ببخشای...» (محمدی مقدم، 1389: (صص 186-199) امام سجاد (ع) در دعای مرزبانان، در حق این افراد بسیار دعا کرده و هم چنین دشمنان آنها را که در واقع دشمنان اسلام و مسلمانان هستند را به شدت توبیخ کرده و بر نابودی آنها دعا نموده اند. و در خصوص سربازان و افسران حکومت طاغوت که به مرزبانی می پردازند فرموده اند: «اگر بر مسلمانان خوف از ناحیه روم بود، می توانند با ایشان نبرد و جهاد کنند؛ چرا که این

جنگ به منظور دفاع از خودشان است، نه کمک و نگهداری سلطان جور.» (کلینی، 1407 ق: (ج 5، صص 603-604) و (شیخ صدوق، 1385 ش: (ج 2، صص 603-604).

بنابراین اگر جهاد در زمان حاکم جور، برای حفظ مردم و دفاع از کیان اسلامی باشد، دفاع مقدسی بوده و قابل تحسین و در بعضی مواقع واجب است و دعای امام سجاد (ع) نیز برای چنین افرادی است که در مرزها بر علیه کفار جنگیده و از اسلام و مسلمانان دفاع می‌کنند.

4- وَعَنْ جَابِرِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِنصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) (مَنْ رَاطَبَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَخْلُقُ لَهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ سَبْعَ خَنَادِقٍ، سَعَةً كُلُّ خَنَدَقٍ سَعَةُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ) «جابر بن عبدالله انصاری گوید: پیغمبر خدا (ص) فرمود: هر که یک روز در راه خدا نگهبانی در مرزها را عهده‌دا شود، خداوند میان او و آتش دوزخ، هفت خندق پدید آورد که فراخنای هر یک از آنها به اندازه‌ی پهنای آسمان‌ها و زمین‌های هفت گانه است. (آخوندی، 1386: (ص 300).

5- الْقَطْبُ الرَّوَانْدِيُّ فِي لُبِّ اللَّيَالِي: عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ مِرَابِطًا، فَإِنَّ لَهُ مِنْ جَمْعِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص)، بِكُلِّ بَرٍّ وَبَهِيمَةٍ وَمُعَانِدٍ، قِيرَاطًا مِنَ الْأَجْرِ وَالْقِيرَاطُ جَبَلٌ مِثْلُ أَحَدٍ.» «قطب رواندی از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود: «هر کس به قصد نگهبانی مرزهای کشور اسلامی از منزل خود بیرون رود، برایش از جانب تمام امت محمد (ص) به جای هر نیکوکار و بدکردار، و حیوان و هر دشمن، قیراطی از اجر مقرر گردیده و «قیراط» کوهی است همانند أحد.» (آخوندی، 1386: (ص 301).

6- سلمان فارسی (رض) از پیامبر (ص) پیرامون فضل کثیر و ثواب جزیل مرابطه و رباط روایت کرده که: «پاسبانی ثغور و سرحدات مسلمین از شر کفار در یک شب بهتر است از روزه و نماز یک ماه، پس اگر بمیرد ثواب عملی که می‌کرد در دنیا و رزق او بر او جاری است و از شرفتان - یعنی ملک عذاب قبر - ایمن، که گویا زنده است و عبادت می‌کند و ثواب همین عملی که در حیات می‌کرد در حال موت بر او مستمر است و روزی می‌خورد و نزد پروردگار خود.» (گروهی از محققان، 1386 ه.ش: (ص 562). و نیز از آن حضرت روایت شده است که هر که: «بمیرد تمام می‌شود عملی که می‌کرد مگر مرابطه در راه خدا که عمل او دایمی است تا قیامت» (نوری طبرسی، بی تا: (ج 11، ص 28، ح 12348).

و نیز از آن حضرت که: «دو چشم است در روز قیامت که آتش جهنم به او نمی‌رسد، یکی چشمی که از خوف خدا گریزد، دیگر چشمی که شب بیدار باشد تا حراست از راه خدا نماید» (احسانی، 1403: (ج 3، ص 183).

و در روایتی دیگر فرموده اند که: «رباط یک شب در راه خدا افضل است از نماز هزار شب که روزه گرفته شود در روز آن» (همان). و نیز از پیامبر (ص): کسی که اسب اصیلی را به مرابطه اختصاص دهد، در هر روزی ده گناه از نامه‌ی عملش محو می‌گردد، و یازده ثواب برایش نوشته می‌شود، و کسی که اسب هجینی را - که فقط پدرش اسبی عربی است - برای مرابطه نگاهداری کند، در هر روز دو گناه از او محو می‌گردد، و نه ثواب برایش نوشته می‌شود. و کسی که بزذونی را - که از هیچ طرف عربی نیست - ببندد، و منظورش استفاده از زیبایی اسب، یا برآوردن حاجتی یا دفع دشمنی باشد، در هر روز یک گناه از او محو می‌گردد، و شش ثواب به حسابش نوشته می‌شود. و کسی که اسبی با پیشانی سفید، یا با خال سفید در پیشانی را به قصد مرابطه و دفاع از مرزهای مملکت اسلام ببندد، تا هر زمان که آن اسب در خانه او باشد، فقر به آن راه نمی‌یابد، و تا هر زمان که آن اسب در ملک صاحبش باشد، ظلم به خانه او داخل نمی‌شود. و اگر آن اسب پیشانی سفید باشد، و سفیدی پیشانی را فرا گرفته باشد، و قوائمش به رنگ سفید یا بخشی از آن به رنگ سفید باشد در نظر من محبوب تر است (ابن بابویه، 1385: (حدیث 2461، ج 3، ص 161).

7- عن ابی الحسن الرضا (ع)

آیا چنین می‌دانی که اگر روم داخل شوند بر مسلمین، سزوار نیست که مانع آنها شود؟! زیرا که متبادر از رباط معنی شرعی است خواه در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ظهور امام علیه السلام و خواه در زمان غیبت امام علیه السلام چنانکه مختار محققان اصحاب هستند. و مؤید این معنی است قول او (ما تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) (انفال: 60). یعنی کسی که به نفس خود مرابطه نتواند کرد باید که به مال مرابطه کند از اسب و غیر آن زیرا که در آن نیز اجر بسیار است (قمی، 1371: (ج 1، ص 381) و حسینی جرجانی، 1362: (ج 2، ص 82). پس فرمود که مرابطه کند و مقاتله نکند، پس اگر بترسد بر بیضه اسلام و مسلمین، آن وقت قتال کند. پس قتال او از برای خود او باید باشد، یعنی تکلیف خود را به عمل آورد و آن قتال نیست از برای سلطان مخالف. پس سیدم از آن حضرت، اگر دشمن بیاید به آنجایی که مرابطه کرده، چه کند؟ فرمود: مقاتله کند و دفع کند از بیضه اسلام، نه از این جماعت، بلکه از برای این که از مندرس و مضمحل شدن اسلام حاصل می‌شود اندراس دین محمد (ص). و در بعضی نسخه‌ها «ذکر محمد (ص)» دارد (قمی، 1371 ه: ج 1، ص 381).

3- سیره عقلا

به معنای روش و شیوه مستمر عملی همه عقلائی عالم بر انجام یا ترک عملی است (طباطبایی حکیم، بی تا: (ج 1، ص 8-197). مطالعات تاریخی بیانگر آن است که مسلمانان نیز در صیانت از مرزهای خود برای جلوگیری از هجوم و تعرضات دشمنان آشکار و نهان، مقدمات لازم را فراهم کرده و با نگاهی سازمانی به این امر می‌نگریستند. حضور دولتی به نام «مرباطون» از نیمه‌ی قرن پنجم تا نیمه‌ی قرن ششم هجری در

مناطق شمال و غرب آفریقا و اسپانیا از نمونه‌های نگاه سازمانی به حفظ مزداری در میان مسلمانان است. مرزبانی در اسلام به همان اندازه ارزش دارد که جهاد دارد، جهاد علت «محدثه» عزت اسلام است و مرزبانی علت «مبقیه‌ی» آن. (خاتمی، 1372: (ص 306).

نظر فقهای شیعه در جایگاه و فضیلت رابطه

رابطه که پا سبانی ثغر (مرزها) برای اعلام مسلمین از هجوم مشرکین هنگام ظن از ضرر، بلکه احتمال خوف و خطر در حکم واجب کفایی است. حال اگر جنگی میان مرابطين و کفار روی دهد، هر شخصی که از مرابطين مقتول شده باشد، مانند شهدای مجاهد در راه خدا است که در دنیا از او تغسیل و تکفین ساقط است، و در آخرت ثابت است او را آنچه آماده است برای شهدا از درجات رفیعه و مراتب عالیه و مرابطه زمان غیبت که برای حفظ بیضه‌ی اسلام یا خون و یا عرض مسلمین باشد و به متابعت امر و حکام، به اذن نواب عام به عمل آید؛ افضل از مرابطه و مجاهده هنگام حضور امام (ع) در جامعه می باشد (رساله‌های خطی فقهی، گروهی از محققان، 1386 ه.ش: (ص 562).

مراتب فضیلت آن متفاوت است چنان که مرابطه به نفس و مال و عیال افضل است و کسی که اجیر گیرد یا مهیا کند برای مرابطين بعض خدمتگزاران یا بندگان یا چهارپایان یا به بذل نفقه و اعطای اسلح و مانند آن اعانت مرابطين نماید اجر عظیم خواهد داشت. و هر سرحدی (مرزی) که خطر آن بیشتر و خوف آن از کفار شدیدتر باشد رباط در آن افضل است و هر چه احتیاج به آن زیادتر باشد فضیلتش زیادتر خواهد بود و هر قدر از حال مشرکین و کار آنها تفحص و اعلام مسلمین زیادتر شود، ثواب آن عظیم‌تر باشد (همان، ص 563).

رابطه درابواب فقهی، رتبه ای متأخر از جهاد دارد.

و الْمُرَابَطَةُ فِيهَا فَضْلٌ كَثِيرٌ وَ ثَوَابٌ جَزِيلٌ إِذَا كَانَ هُنَاكَ إِمَامٌ؛ وَ حَدَّثَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَى أَرْبَعِينَ يَوْمًا؛ فَإِنْ زَادَ عَلَى ذَلِكَ كَانَ جِهَادًا.

«رابطه هم مانند جهاد، فضل بسیار و ثواب جزیلی دارد در صورتی که به اذن امام عادل باشد. مقدار مرابطه سه روز تا چهل روز است (یعنی اگر کسی به سرحدات برود و مزداری کند، آن هم از سه روز تا چهل روز، او را مرابط گویند). اما اگر ماندن مرابط در سرحد و مرز از چهل روز گذشت و در میان دشمن استقرار یافت، حکمش حکم جهاد است.»

یکی از دستورات اسلامی مرابطه است. ولی فقیه باید پیوسته مرابط داشته باشد. مرابط عبارتست از اینکه یک عده از لشکریان اسلام، در خاک کفر نفوذ نموده و در آنجا استقرار پیدا کنند. بدین طریق، هم سرحدات را خوب نگهداری نمایند که دشمن از اطراف مملکت حمله نکند، و هم اینکه کم کم در بلاد کفر نفوذ کنند. این را مرابطه می گویند.

شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» رضوان الله علیه در کتاب جهاد فرموده است: هُوَ ذُرْوَةُ سَنَامِ الْإِسْلَامِ وَ رَابِعُ أَرْكَانِ الْإِيمَانِ وَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ (نجفی، 1392: (ج ۲۱، ص ۳).

این عبارتی را که شیخ محمد حسن در «جواهر» نقل می کند، عین مفاد روایات است؛ منتهی ایشان به عنوان روایت ذکر نکرده اند، ولیکن آن متن را در مقام تعریف جهاد از روایات گرفته اند.

ذُرْوَةٌ يَ أَوْ ذُرْوَةٌ، أَعْلَى نَقْطَةٍ فِي جَاهِئِ بَلَدٍ يَ أَوْ ذُرْوَةٌ الْجَبَلِ يَعْنِي قَلْعَهُ كَوْه.

هُوَ ذُرْوَةُ سَنَامِ الْإِسْلَامِ. «این (جهاد) بلندترین نقطه برآمدگی و نشیمنگاه اسلام است.»

سَنَامُ الْجَمَلِ يَعْنِي أَنَّ شَيْئًا يَ كَمَا فِي سَنَامِ الْإِسْلَامِ يَعْنِي بِالْأَتْرَافِ نَقْطَةُ بَلَدِي إِسْلَامٍ.

وَ رَابِعُ أَرْكَانِ الْإِيمَانِ. «و چهارمین ستون از ارکان ایمان می باشد.» یعنی بدون آن سقف ایمان واژگون می گردد.

وَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ. «و یکی از درهای بهشت است.»

وَ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ. «و با فضیلت ترین اشیاء بعد از فرائض واجبه (صلوة و صوم و حج و زکوة و خمس)، جهاد فی سبیل الله است.»

وَ سِيَّاحَةٌ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آئِهِ الَّتِي قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عِزَّهَا بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَ مَرَاكِزِ رِمَاحِهَا.

سیاحت یعنی جهانگردی برای دیدن آثار صنع و آیات خداوند؛ سیاحت و گردش کردن امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در جهاد است (نجفی

، 1392: (ج ۲۱، ص ۳).

در امت‌های گذشته مردم سیاحت داشتند. در قرآن مجید آمده است: أَلْتَابُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ (توبه: 112) یکی از عبادات مردم این است که در بیابانها و در کوهها تنها گردش کنند و در آثار پروردگار سیر نموده و نظر نمایند و فکر کنند، تا قلبشان باز شود. سیاحت امت پیغمبر را خداوند در جهاد قرار داده است. کدام جهاد؟ کدام سیاحت؟ آن سیاحتی که خداوند، عز آن را به سم اسبها (یعنی همین سم‌هایی که به زمین می خورد) بسته است.

سَنَابِكُ جَمْعُ سُنْبُكٍ اسْت؛ یعنی سم ستور. بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا يَعْنِي: خداوند عز و شرف امت محمد صلی الله علیه و آله را در سم اسبها قرار داده است که به زمین می خورد؛ آن اسب‌هایی که به جهاد می روند. وَ مَرَاكِزِ رِمَاحِهَا؛ و مرکزهای نیزه‌ها (رِمَاحُ جَمْعُ رُمْحٍ اسْت یعنی نیزه) آنجائی که نیزه را به زمین می کوبند و در اطرافش مشغول جنگ می شوند؛ یا آنجائی که رمح را به سینۀ دشمن فرو می برند و با آن رُمْحُ در سینۀ دشمن، دشمن به زمین می افتد (حسینی طهرانی، 1421 ه: (ج ۳، ص ۲۶۵).

این عزّ اسلام است و عزّ امت پیغمبر است که خداوند در جهاد فی سبيله و فی سبيل رسوله قرار داده است (همان). و کسی که حداقل سه روز اقامت نکند ثواب مرابط به او داده نمی‌شود و مزایای مرابط به او تعلق نمی‌گیرد. (مروج، 1379 ه.ش: (ص 479)).

شیخ طوسی معتقد است: از آن جایی که حفظ مرزها جنبه تهاجمی ندارد، شرکت در آن حتی برای شیعیان که حکومت‌های وقت را قبول نداشته‌اند، از طرف امام معصوم (ع) مجاز شمرده شده است.

(طوسی، 1407 ق: (باب المرابطه فی سبيل الله، ج 6، ص 125)).

علامه حلی: مرابطه (حفظ ثغور و مرزها) هم در زمان حضور و هم غیبت امام (ع) مستحب است زیرا در حفظ مرزها، جنگ و درگیری نیست و فقط جهت مراقبت و نشان دادن نیروها به دشمن است و اگر در حین مرزبانی، دشمنان به سرزمین اسلامی حمله کنند، مرزبان می‌تواند جهت دفاع از خود و اسلام و نه دفاع از حاکمان ستمگر، وارد مبارزه شده و از اسلام محافظت نماید. (علامه حلی، 1412 ق: (ج 14، ص 44)).

مستحب است مرابطه یعنی در مرز کشور اسلام اقامت کردن و مستعد دفاع کفار بودن و حد مرابطه از سه روز است تا چهل روز و ماندن بیش از این جهاد محسوب است و ظاهراً این حکم در زمان غیبت امام علیه السلام نیز ثابت است برای آمادگی دفاع اگرچه در زمان غیبت جهاد مشروع نیست اما دفاع مشروع است و ماندن بیش از چهل روز هم جایز است.

مرباطه اگرچه به اصل اسلام واجب نیست اما به نذر و شبه آن واجب می‌شود. (الحلی، 1412 ق: (ص 208)).

فقها در تعریف مرابطه فرموده‌اند: نگهداری نیروهای رزمی و آمادگی جهت حفاظت و حراست از مرزهای کشور - زیر نظر داشتن دشمن و مراقبت از حرکت‌های مشکوک (السیوری، بی تا: ج 1، ص 388).

با دقت در این تعریف درمی‌یابیم که مرابطه و مرزبانی تمام انواع مرزبانی، همچون: بیدارباشی - سنگرنشینی - دیده بانی راداری را شامل می‌شود زیرا که حفظ ثغور و حراست از مرزها اعم است از اینکه در مرزها سنگر گرفته شود و یا اینکه از درون سرزمین به وسیله وسایل پیشرفته دیده بانی مواظبت گردد.

برخی از فقها گفته‌اند: مرابطه ی مرزبانی آمادگی جهت حفاظت از ثغور کشور است که آن هم بر دو گونه است: 1- صرفاً برای آگاهی از حرکت‌ها و نقشه‌های دشمن و زیر نظر گرفتن کارهای دشمن. این نوع مرزبانی مستحب است. 2- اینکه با آگاهی از اندیشه ی دشمن و نقشه ی حمله از ناحیه ی آنان مرزبانی برای اطلاع از چندوچونی نیروها و تاکتیک‌ها انجام گیرد. این قسم از مرابطه بدان جهت که داخل در دفاع است واجب خواهد بود. فقیه و محقق متأخر شیعه حاج آقا ضیاء الدین عراقی نقل می‌کند: برخی از فقها آن را واجب دانسته‌اند و این وجوب بر اساس اصل اصولی واجب بودن مقدمه‌ی واجب می‌باشد. یعنی وقتی یک چیز، تکلیف و واجب است، مقدمه‌ی آن هم واجب است. مثلاً نماز واجب است، وضو و غسل و تیمم نیز به عنوان مقدمه‌ی آن واجب می‌شوند. حراست و دفاع از «کیان اسلام» و جامعه‌ی اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان یک واجب شرعی است و لذا مقدمات آن نیز از جمله مرابطه و مرزداری واجب می‌شود. (شکوری، 1394: (ص 122)).

اهمیت دیدگاه امام خمینی (ره) در مقایسه با سایر فقها

با جستجو در منابع فقهی، معلوم می‌شود موضوع مرزبانی در میان فقها به دو دیدگاه مستحب و واجب تقسیم می‌گردد. اهمیت دیدگاه امام خمینی درباره‌ی مرزبانی از آن سو می‌باشد که شیعیان تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 شمسی، تجربه‌ای از حکومت‌داری نداشتند.

امام خمینی (ره) حفظ ثغور مسلمانان را از ادله‌ی تشکیل حکومت اسلامی معرفی می‌کند و معتقد هستند که چون حفظ ثغور مسلمانان دارای اهمیت است، باید حکومت اسلامی تشکیل داد. «لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و حفظ ثغور و نظام حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر، اگر برای کسی امکان داشته باشد، واجب عینی است و گرنه واجب کفایی است. در صورتی هم که ممکن نباشد، ولایت ساقط نمی‌شود؛ زیرا از جانب خدا منصوب هستند» (موسوی خمینی، 1423 ق: (صص 53-52)).

چنانکه دشمنان اسلام، سرزمین‌ها و ثغور مسلمانان را فرا بگیرند و ترس از بین رفتن اصل اسلام و جامعه‌ی اسلامی برود، دفاع با هر وسیله‌ی ممکن؛ هرچند با بدل مال‌ها و جان‌ها، واجب است. این مهم مشروط به حضور امام و اذن از او یا نایب خاص یا عام ایشان هم نیست، بلکه بر هر مکلفی واجب است با هر وسیله‌ای بدون هیچ گونه قید و شرطی دفاع کند. (موسوی خمینی، 1379: (ص 378)).

پس بحث در دفاع از کیان اسلام است؛ و دفاع نیز دو قسم است: 1- از بیضه‌ی اسلام 2- دفاع از جان. که اگر زمانی دشمن به مرزها تسلط یابد، دفاع با هر وسیله‌ی ممکن از بدل مال و جان واجب است و نه اجازه و نه حضور امام و نه اجازه نایب امام به طور خاص یا عام شرط نمی‌باشد. و دفاع بر هر مکلفی و به هر وسیله‌ای بی قید و شرط واجب می‌باشد. به طوری که ترس از تسلط دشمن بر سرزمین‌های اسلامی و تصرف سرزمین و یا اسارت مسلمین باشد و تسلط سیاسی و اقتصادی که منجر به تضعیف اسلام و مسلمین گردد که در این صورت با ترک خرید و فروش و معامله با دشمنان (تحریم) آن‌ها می‌توان مقاومت کرد (موسوی خمینی (ره)، 1392: (ج 1، ص 515)).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اسلام دارای دو نظام اختیاری و اجباری است. نظام اختیاری که در مواقع آرامش کشور انجام می‌گیرد و آن وقتی است که به حسب مقتضیات وقت، دولت نه مهاجم است و نه مدافع در این صورت تمام افراد صالح توده را ترغیب کرده به یاد گرفتن فنون جنگی به هر طور که موقعیت اقتضا کند.

قسم دیگر از نظام اسلام، نظام اجباری است و آن در وقتی است که دولت اسلام بخواهد با هجوم به ممالک دیگر برای نشر اسلام اقدام؛ و کشورهای جهان را در مقابل قانون عدل خدایی خاضع سازد؛ و یا آنکه مملکت اسلامی مورد هجوم دشمنان واقع شود و اجانب بخواهند به آن دست درازی کنند. توده‌ی مردم اطاعت امر خدا را بر خود حتم و لازم می‌شمرند و برای جهاد و دفاع و حفظ استقلال کشور از روی ایمان به خدا و اسلام حاضر می‌شوند و اگر کسی مسامحه کند دولت او را اجبار می‌کند و نظام اجباری اسلامی در این صورت اجرا می‌شود. (موسوی خمینی، 1391: (صص 121-123).

امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های متعدد خود در جمع پرسنل ژاندارمری، ضمن تأکید بر ضرورت حفظ مرزها، به حفظ مملکت اسلامی در پرتو حکومت اسلامی اشاره فرمودند (شیخیان و دیگران، 1377: ص 19). چرا که حفظ ثغر و حدود و مرزهای یک کشور به مفهوم همراهی با امام و دولت اسلامی در جهت قاعده نفی سبیل است.

نتیجه‌گیری

«مرباطه» همان رابطه با ائمه، یعنی همراهی با ولایت و ولایت‌مداری باشد که خود نوعی مرزبانی در مملکت اسلامی است. و از اهم مراتب مرزبانی، حفظ مرزهای دولت اسلامی می‌باشد. سرزمینی که در آن حکومت و دولت اسلامی و امام مشروع حضور دارد، قطعاً مورد هجوم دشمنان واقع می‌شود و باید افرادی در صدد محافظت از آن برآیند.

مرباطه، تنها در مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود بلکه شامل تمام امور حفاظتی در سرزمین اسلامی مانند: حفاظت از اماکن - منابع - شخصیت‌ها در مقابل هجوم دشمن که شامل کسانی می‌شود که کارهای اطلاعاتی - امنیتی - حفاظتی انجام می‌دهند، می‌باشد. اگر فرد عالمی از امت اسلام در مقابل بدعت‌ها، انحرافات و التقاطات دفاع کند، مرابط و مرزبان دین گفته می‌شود: علماء شیعتنا مرابطون بالثغر الذی یلی ابلیس... . چنانکه در مدیریت سیاسی، باید مرزها را شناسایی کرد؛ و برای هر مرزی مرزبانی لایق انتخاب کرد، در مدیریت فکری و اعتقادی و اخلاقی نیز باید چنین باشد و گرنه وظایف لازم درست انجام نمی‌یابد و از حمله‌ها و رخنه‌ها جلوگیری نمی‌شود. باید مرزهای فکری و استعدادی جامعه به خوبی معلوم گردد. نمی‌توان با یک حرکت ساده تصور کرد به وظیفه‌ی حراست دینی و مرزبانی عمل کرده‌ایم.

باری؛ اگر روحانیت و رهبران دینی چون امام خمینی (ره) مدعی مرزبانی از اندیشه‌ها و اعتقادات اسلامی در حکومت اسلامی هستند، باید نخست این مرزها را بشناسند. مسائل جهان‌نوا را بفهمند و سپس نقاط کور مرزهای فکری و اجتماعی را به وسیله کتاب‌های قوی و غنی مذهبی با سبکی جدید و نثری جذاب روشن نمایند. زیرا از جمله وظایف عمده‌ی حاکمان اسلامی و مرابطین، مرزبانی فکری و اعتقادی و اخلاقی و مکتبی در حفظ انقلاب و حکومت اسلامی در معیت حافظان امنیت در مرزهای جغرافیایی می‌باشد.

منابع و مأخذ

بعد از ترجمه قرآن از آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی

- ، - ، ارتش از دید امام خمینی (ره)، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) 1391، تهران .
ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، ترجمه و متن کتاب من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری، محمد جواد، دارالکتب الاسلامیه، 1385، تهران.

ابن عباس، عبدالله بن عباس و سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی ابرک، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، نشر آیت الله نجفی، 1404 ق، قم .

إحسائی، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی، مؤسسه سید الشهداء (ع)، 1403 ق، قم .

آخوندی، مصطفی، جهاد در آینه روایات، پژوهشکده‌ی تحقیقات اسلامی - زمزم هدایت، 1386، چاپ اول، قم.

بهشتی، احمد، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فراهانی، تهران .

- بیستونی، محمد، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی، 1390، اول، مشهد.
- حسینی طهرانی، محمد حسین، ولایت فقیه، نشر علامه طباطبایی، 1421، مشهد.
- حسینی طهرانی، محمد حسین. ولایت فقیه، گردآورنده محمد حسین راجی، و محسن سعیدیان، علامه طباطبایی، 1421 ه.ق، مشهد.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی، تفسیر شاهی، نوید، 1362، تهران.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، سید حسین، تفسیر اثنا عشری، میقات، 1363، تهران.
- حسینی همدانی، سید محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، چاپ محمد باقر بهبودی، 1380، تهران.
- الحلی، یوسف بن علی بن مطهر، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- الحلی، یوسف بن علی بن مطهر، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1419، قم.
- خاتمی، احمد، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام، چاپخانه‌ی سپهر، 1372، تهران.
- دشتی، محمد، نهج البلاغه، نشر اجود، 1389، چاپ اول، قم.
- رافعی القزوی، ابوالقاسم، الشرح الکبیر للرافعی، دار الرضی، بی تا، قم.
- زرگریان، طاها و شهسوار، احسان و حسینی زیدی، سید ابوالقاسم، (قاعده انگاری حفظ ثغور مسلمانان در حکومت اسلامی)، مجله‌ی حکومت اسلامی، سال بیست و ششم، شماره‌ی دوم، 1400.
- الزحیلی، وهبة، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دارالفکر، 1412ق، دمشق.
- السیوری، جمال الدین المقداد بن عبدالله، کنز العرفان، منشورات المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا، بی جا.
- الشرح الکبیر للرافعی، دار الرضی، قم، بی تا.
- شفیعی نژاد، حسین، مرز داری و مرزداران در فقه شیعه‌ی امامیه، یقظه، 1394، چاپ اول.
- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، نور، 1394.
- شهید ثانی، محمد بن جمال الدین، شرح لمعه، نسخه سنگی، بی تا، بی جا.
- شیخ صدوق، علل الشرایع، کتاب فروشی داوری، 1385، چاپ اول، قم.
- شیخیان، علی و دیگران، قوای مسلح در وصیت‌نامه‌ی حضرت امام (ره)، مرکز تحقیقات اسلامی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، 1377.
- صفی پور، عبد الرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی لغة العرب، تصحیح و تعلیق: محمد حسن فؤادیان و علیرضا حاجیان نژاد، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، 1394، اول، تهران.
- صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی لغة العرب، امید مجد، 1396، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه‌ی تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی - وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، 1374، چاپ پنجم، قم.
- طباطبایی حکیم، محمد تقی، الاصول العامة للفقه المقارن، مؤسسه آل البيت (ع)، بی تا، قم.
- الطبرسی، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، حسن الشیخ ابراهیم الکتبی، 1386، نجف اشرف.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، باب المرابطه فی سیل الله، دارالکتب الاسلامیه، 1407ق، تهران.
- العاملی، محمد بن مکی (الشهید الاول)، الدروس الشرعیة، جامعه مدرسین، 1412ق، قم.
- علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذاهب، مجمع البحوث الاسلامی، 1412ق، چاپ اول، مشهد.
- الفراهیدی، ابی عبدالرحمن الخلیل بن احمد، العین، -، بی تا، بی جا.
- فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، 1393.
- فیض، علیرضا، مبانی فقه و اصول، دانشگاه تهران، 1383، چاپ شانزدهم، تهران.
- قزائتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه در راه حق، 1374ش، .
- قلعجی، محمد، معجم لغة الفقهاء، دارالنفائس، 1408 ه.ق، دوم، بیروت.
- قلعجی، محمدرواس و قنیزی، حامدصادق، معجم لغة الفقهاء، دارالنفائس، 1408 ه، دوم، بی جا.
- قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، کیهان، 1371 ه ش، تهران.
- کلینی، محمدابن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الاسلامیه، 1407ق، چاپ چهارم، تهران.
- گروهی از محققان، رساله‌های خطی فقهی، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل البيت، 1386 ه.ش، قم.
- محمدی مقدم، قربانعلی، صحیفه‌ی سجادیه، به نشر، 1389 چاپ ششم، مشهد.

- مروج، حسین، اصطلاحات فقهی، بخشایش، 1379 ه.ش.، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، 1380، تهران.
- موسوی خمینی (ره)، سیدروح...، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1423 ق، چ 2، تهران.
- موسوی خمینی، روح الله، استفتائات امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1392 ش، تهران.
- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1379 ه.ش و 1392 ش، تهران.
- نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، اسلامیه، 1392، چاپ ششم،
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1320 ق، قم.
- نوری طبرسی، شیخ حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بی تا، قم.